

چرا ابن سینا در تاریخ ماندگار است؟



رئیس فرهنگستان علوم درباره جایگاه ابن سینا گفت: ابن سینا در تفکر خود، خرد فلسفی و درک دینی را بیشتر با هم آشنا کرده و سازش داده و در بنای نظام عقل دینی و دین عقلی اثر قطعی داشته است...

رئیس فرهنگستان علوم درباره جایگاه ابن سینا گفت: ابن سینا در تفکر خود، خرد فلسفی و درک دینی را بیشتر با هم آشنا کرده و سازش داده و در بنای نظام عقل دینی و دین عقلی اثر قطعی داشته است و این یکی از وجوه ماندگاری او در تاریخ است. بوعلی اگر در تاریخ مانده است از آن روست که سخن تاریخ ساز گفته است. اگر این معنی را دریابیم اندکی با رمز تفکر او آشنا می شویم.

به گزارش ایسنا، دکتر رضا داوری اردکانی در نخستین درس گفتار خود درباره بوعلی سینا که از سوی شهر کتاب برگزار شد، گفت: در بزرگی ابن سینا کسی تردید نمی کند. این بزرگی را همه جهان تصدیق می کنند و شاید دیگران چون از بیرون نگاه کرده اند این بزرگی را بیش از ما شناخته باشند. با اینکه بسیاری از آثار ابن سینا از میان رفته است باقی مانده آثارش چندان عظمت دارد که ناظر را به اعجاب وامی دارد. اکنون جهان و حتی ما با این آثار چه باید بکنیم؟ ممکن است کسی بگوید ابن سینا و آثارش متعلق به گذشته اند و به کار امروز نمی آیند.

وی افزود: البته اگر می خواهیم ابن سینا به کار هر روزیمان بیاید باید بیشتر به علم و تفکر در نسبت با شرایط مناسب برای زندگی بیندیشیم. البته فیلسوف می تواند به ما بگوید که برای رسیدن به هر مقصد و مقصود چه وسایلی لازم و مناسب است. ابن سینا در قانون درس سلامت و درمان بیماری های تن داده و در شفا و اشارات، آئین خرد آموخته است. همه درس های خرد به هر زمانی و هر قوم و سرزمینی که متعلق باشند همیشه راهگشایی می کنند. اکنون در دانشگاه ها و مخصوصاً در بعضی حوزه های علمی-دینی آثار ابن سینا تدریس می شود. این خوب است ولی کافی نیست بلکه باید بدانیم که حاصل این تدریس و آشنایی با آراء ابن سینا چیست. در هفتاد سال اخیر کوشش هایی برای نزدیک شدن به ابن سینا یا لافل درک مشکل نسبتمان با فیلسوف صورت گرفته است.

رئیس فرهنگستان علوم با بیان این که «در حدود هفتاد سال پیش که قرار بود مراسمی به یاد بوعلی برگزار شود استادان زمان بعضی آثار او را تصحیح کردند و آن آثار غالباً با مقدمه های عالمانه چاپ شد» گفت: یکی از این آثار کوتاهی منسوب به ابن سیناست که استاد دکتر غلامحسین صدیقی درباره اصل و نسب آن پژوهش دقیق کرده و نشان داده است که این نوشته که از پهلوی به فارسی درآمده اثر بوعلی سینا نیست و چون بوعلی مشهور ابوعلی سینا بوده کاتبان و فهرست نویسان ترجمه آن را به او نسبت داده اند. اسم این اثر کوچک ظفرنامه است که اسم هم با مضمون مناسبی ندارد. اینجا نباید بیش از این درباره این نوشته چند صفحه ای و البته بسیار مهم بحث کرد. من فقط عبارتی از آن را نقل می کنم که می توان آن را گفته ابن سینا دانست یا بهرحال با حکمت بوعلی موافقت تام دارد و آن این است: «گفتم آفت علم چند چیز است. گفت بر مردمان عرضه کردن بی آنکه درخواهند و به ناسزا آموزاند و پیش کسی که نداند گفتن». فلسفه را باید کسانی بیاموزند که درد و شوق دانستن دارند و می توانند به عمق سخن فلسفی پی ببرند. صاحب اندرزی که نقل شد به احتمال قوی بوذرجمهر حکیم است. او نمی دانسته است زمانی می رسد که عصر اطلاعات نام دارد و همه چیز را به همه کس بی آنکه که در خواهند عرضه می کنند و در همه جا می آموزند و پیش همه می گویند ولی فلسفه علم ظاهر نیست و آن را در طلب خرد و خردمندی باید آموخت.

به گفته ی استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران، هانری کربن در سال ۱۳۳۲ که هزاره ابن سینا در تهران برگزار شد و بسیاری از ایران شناسان اروپا به دعوت انجمن آثار ملی در آن شرکت کردند سخنرانی مهمی در باب آثار تمثیلی ابن سینا که غالباً به زبان فارسی است ایراد کرد. تفصیل آن به صورت کتابی در آمد که در سلسله انتشارات انجمن آثار ملی منتشر شد. این سخنرانی مخصوصاً از آن جهت اهمیت داشت که به قول ایراد کننده اش «به جز معدودی از شخصیت های بزرگ ایرانی آن هم عمدتاً شاعران این دیار، تبار فیلسوفان و متکلمان و عارفان که اصالت این فرهنگ در محدوده جهان اسلام مرهون آنهاست از هر لحاظ در افق انسان غربی غایبند» (کربن، آثار تمثیلی ابن سینا، مقدمه مولف برای ترجمه انگلیسی، ترجمه انشاءالله رحمتی، انتشارات جامی، ۱۳۸۷، صفحه ۸۶).

داوری اردکانی خاطرنشان کرد: ظاهراً کربن تأمل در آثار ابن سینا را به خصوص برای غربیان نه تنها مفید بلکه ضروری می دانست. همه کسانی که در درس ها و مجالس او حاضر می شدند این مطلب را از او شنیده اند. من بارها می خواستم از ایشان بپرسم با اینکه شما به خوبی می دانید قرون وسطاییان و حتی رنسانسی ها به آثار فیلسوفان جهان اسلام و به خصوص با آثار فلسفی و طبی بوعلی سینا توجه بسیار داشته اند. شرق شناسان و ایران شناسان هم مطالعات بسیار در باب فلسفه و کلام و عرفان

کرده اند مرادتان از این گفته که فیلسوفان جهان اسلام در افق غربیان حضور ندارند چیست. آیا منظورتان از افق غربیان افق تاریخ جدید و معاصر غربی است. اگر نپرسیدم یک وجهش این بود که می دانستم او از روش ایران شناسان سلف خود پیروی نمی کند و می داند که اعتنای قرون وسطائیان به فیلسوفان جهان اسلام در عصر جدید منتفی شده است.

این فیلسوف بیان کرد: مقصود کربن این نبود که فلسفه اسلامی را در دانشگاه ها تدریس کنند یا لاقلاً این را کافی نمی دانست. او میخواست «جهان معنوی ایران در نهایت جایگاه و جلوه حقیقی خویش را در آگاهی مدرن پیدا کند و تا آنجا پیش رفت که گفت جهان معنوی ایران رسالت خاصی برای مقابله با خطری که عالم جان را تهدید می کند دارد و انسان غربی هم برای نجات خود باید از این سرچشمه سیراب شود». در آنچه کربن گفته است باید درنگ و تأمل کرد. آیا به نظر او تفکر ابن سینا و سهروردی و ملاصدرا در خودآگاهی ما ایرانی ها حضور دارد و اگر دارد آثارش چیست. اگر پاسخ این پرسش را می دانستیم، می توانستیم دریابیم که کربن تا چه حد حق داشته است که نجات جان جهان غربی را از فلسفه و تفکر ابن سینا و سهروردی بخواهد.

رئیس فرهنگستان علوم اظهار کرد: در نظر کربن باید تأمل کرد ولی اگر با اندیشه کربن موافق نباشیم در مورد فلسفه و آراء ابن سینا و دیگر بزرگان فلسفه چه نظری می توانیم داشته باشیم و فکر می کنیم که آنها چه دارند که برای ما و امروز ما بگویند. این پرسش دشواری است که پاسخ آن را مفسران و محققان فلسفه هم به آسانی نمی توانند بدهند. یک کنگره دیگر هم در سال ۱۳۵۹ در تهران برگزار شد که در آن استادان معاصر مطالب مهمی در باب ابن سینا گفتند. یکی از مسائل هم این بود که از ابن سینا چه می خواهیم بیاموزیم و چه می توانیم بیاموزیم. برای اهل فلسفه روشن است که چرا به فلسفه رو کرده اند و آدمیان در زندگی چه نیازی به فلسفه دارند. ظاهراً وجدان بشری نیز به پاسخی هر چند اجمالی به این پرسش رسیده است. تاریخ، فلسفه را نه مشغولیت گروهی به نام فیلسوف بلکه طرح اساسی ترین مسائل در نسبت آدمی با وجود می داند. ما نیز کم و بیش و به نحو اجمالی می دانیم که با ابن سینا نسبتی داریم اما می خواهیم این نسبت را روشن تر بشناسیم.

وی با بیان این که کنفرانسی که به آن اشاره شد به توصیه یونسکو برگزار شد گفت: چهل و یک سال پیش بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو به کشورهای عضو توصیه کرد که به مناسبت هزاره ابن سینا مجالس بحث و نظر ترتیب دهند و مقام فیلسوف و دانای بزرگ ایران را بهتر بشناسند. در آن زمان یعنی در سال ۱۳۵۸ برای ما برگزاری این مجلس میسر نشد اما در سال ۱۳۵۹ آن را برگزار کردیم. متأسفانه دانشمندان غیر ایرانی نتوانستند در آن شرکت کنند. اما استادان فلسفه حوزه و دانشگاه با شرکت توأم با علاقه و ایراد سخنان محققانه خود این نقص را تدارک کردند و مقالاتی در فلسفه و عرفان و طب و زبان و زمان ابن سینا نوشتند و در مجلس ایراد کردند و مجموعه ای جامع از آن مقالات فراهم آمد که چاپ شد و مناسب است و درخواست می شود که کمیسیون ملی یونسکو آن را پس از چهل سال تجدید چاپ کند.

داوری اردکانی ادامه داد: یکی از امتیازهای این یادبود این بود که شورای علمی اش مرکب از استادان اهل نظر و ممتاز بود و می خواست به عمده مطالب و مسائل آثار ابن سینا پرداخته شود و طرح و بحث در مسائل مشخص فلسفه و عرفان و طب و موسیقی و زبان را به محققان و استادان ابن سیناشناس پیشنهاد داد. نتیجه این شد که تقریباً از همه مسائل و مطالب و دانش ابن سینا مجموعه ای تحقیقی فراهم شد بی آنکه مطلبی تکرار شود. کنفرانس چنان که اشاره شد مزایا و عیب های خاص خود داشت از جمله اینکه دانشمندان غیر ایرانی نتوانستند در آن شرکت کنند. ابراهیم مدکور که به قول خودش عمر را صرف تحقیق در آثار بوعلی کرده بود شکوه کرد که چرا از او دعوت نشده است. دانشمند مصری حق داشت گله کند. از او عذرخواهی کردند و گفتند که اگر قرار بود یک غیر ایرانی دعوت شود او ابراهیم مدکور بود، ظاهراً عذر را پذیرفت. به حسن علمی بودن و تحقیقی بودن کنفرانس اشاره شد. حسن نه چندان مهم اما بی سابقه و تکرارنشده دیگری که داشت بی هزینه بودنش بود. هیچ بودجه ای برای آن اختصاص نیافت و گزاره نیست اگر گفته شود همه پولی که دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو برای کنفرانس هزینه کرد از دو سه هزار تومان بیشتر نشد. همه کارهای آماده سازی و فراهم کردن شرایط برگزاری کنفرانس را کارکنان دبیرخانه کمیسیون ملی بی منت و بدون چشمداشت پاداش انجام دادند. آنها حتی در آماده سازی سالن کنفرانس هرچه توانستند کردند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با اعلام این خبر که «قرار است سال آینده هم سمینار ابن سینا برگزار شود» افزود: اگر باشم و به مجلس سمینار دعوت شوم و بتوانم چیزی بنویسم یا حرفی بزنم خواهم گفت بیایید تعارف را کنار بگذاریم و حقیقتاً فکر کنیم که اکنون از ابن سینا چه می توانیم و باید بیاموزیم. کسانی شاید بگویند که او بزرگ دوران طلایی تمدن اسلامی و مایه فخر ایران است و به این جهت به او احترام می گذاریم. درست می گویند اما آیا او صرفاً در تاریخ مفاخر ما جایی دارد و با او نسبت دیگری نداریم و اگر صرفاً باید به او افتخار کنیم با آثارش چه کنیم. آیا لازم نیست و نمی توانیم هیچ گونه هم سخنی با او داشته باشیم. تاریخ صرف تاریخ مفاخر نیست و آن را صرف بیان حوادث گذشته و بی ارتباط با اکنون و آینده نباید دانست. مفاخر جای خود دارند اما تاریخ وجه دیگری هم دارد و نگاه دیگری هم به گذشته می توان کرد و چه بسا با آن نگاه، گذشته را بتوان به اکنون آورد و آن را به آینده در پیوست. کاش می توانستیم ابن سینا را به اکنون زندگیمان که باید پیوند گذشته و آینده باشد بیاوریم و از او بپرسیم جهان و زندگی کنونی را چگونه می بیند و برای بودن در آن چه درسی به ما می دهد. تدریس کتاب های ابن سینا و تحقیق در آثار و آراء او غنیمت است ولی باید دقت کنیم که شاید در بین سطور نوشته های فیلسوف نکاتی پنهان مانده باشد اگر بتوانیم

بعضی از آن تذکرها و درس های نهفته را دریابیم یا به تعبیر معاصران متن نوشته بوعلی را استنتاج کنیم و از آن بخواهیم که با ما سخن بگوید شاید به حکمت هایی برسیم که تاکنون آنها را دریافته بودیم اما اگر فکر می کنیم تمام معانی و مطالب منظوم در کلمات او فهم شده است وظیفه ای جز فراگرفتن فلسفه رسمی او و احترام به مقام استادش برایمان نمی ماند.

داوری اردکانی خاطرنشان کرد: سخن را به صورت دیگری خلاصه و تکرار کنم. می گویند دوران طب بوعلی گذشته است و فلسفه اش را هم نمی دانیم برای چه باید بخوانیم و به چه کارمان می آید. صورت اساسی پرسش این است که اگر فلسفه نباشد چه نقص و نقصانی در زندگی پدید می آید؟ فلسفه دو وجه دارد. یکی وجه آموزشی و آموختنی و دیگر وجه روح بخشی و مدرسانی به خرد زمان و هر دو صورت باید با هم توأم باشند. اگر فلسفه وجه روح بخش نداشته باشد از آموزش آن نتیجه ای که باید حاصل نمی شود. فلسفه در تفصیل مطالبش می خواهد روشن کند که جهان آدمی بر چه مبادی و اصولی قرار دارد و آدمیان در جهان خود چها می توانند و باید بدانند و بکنند و این آگاهی است که ره آموز و کارساز زندگی می شود.

رئیس فرهنگستان علوم با بیان این که «در تاریخ هم می بینیم که هر وقت تفکر بوده زندگی نشاط داشته و هر جا که تفکر نبوده، زمان زمان رکود و سکون و انحطاط بوده است» اظهار کرد: از این سخن نتیجه نباید گرفت که پس بیاییم به سراغ فلسفه برویم تا کار زمان روپراه شود. بهره داشتن از تفکر و محروم بودن از آن در اختیار ما نیست. اگر در راه آن بکوشیم شاید بی نصیب نمایم ولی بدانیم که بود و نبود تفکر تابع آموزش و ترویج نیست. رجوع به فلسفه برای تفنن نیز سودی ندارد. هرچند که کسانی از سر تفنن فلسفه می خوانند و شاید تفنن خوبی را اختیار کرده باشند. به این معنی هم توجه داشته باشیم که در طی زمان و تاریخ بسیار چیزها به وجود می آیند که زود از میان می روند اما بعضی چیزها می مانند. تفکر در زمره ماندنی هاست و آدمی همواره و همیشه به آن نیاز دارد و بقاء او به آن بسته است. اگر اعتنا به فلسفه دوام داشته و فلسفه باقی مانده است از آن روست که نیازی را و شاید نیاز اصلی زندگی آدمی را برمی آورده است.

استاد بازنشسته گروه فلسفه دانشگاه تهران با اشاره به مقام و اثر بوعلی در تاریخ دوره اسلامی گفت: اگر در مورد مقام و اثر بوعلی در تاریخ دوره اسلامی ایران کمتر پرسش شده است یک وجهش شاید این باشد که اثر فلسفه بوعلی بیش از آن بوده است که اهل علم و حتی خود فیلسوف می اندیشیده اند و می اندیشند. فیلسوفان و شاعران کم و بیش از مقام خود آگاهی دارند اما همه و همیشه از سَر بزرگی مقام خود خبر ندارند. ابن سینا در تفکر خود، خرد فلسفی و درک دینی را بیشتر با هم آشنا کرده و سازش داده و در بنای نظام عقل دینی و دین عقلی اثر قطعی داشته است و این یکی از وجوه ماندگاری او در تاریخ است. بوعلی اگر در تاریخ مانده است از آن روست که سخن تاریخ ساز گفته است. اگر این معنی را دریابیم اندکی با رمز تفکر او آشنا می شویم. شاید آنچه گفتم کلمات شعری و خطابی تلقی شود. درست است که زبان مناسب برای بیان و تفصیل فلسفه، منطق است اما فلسفه با یافت آغاز می شود و زبان یافت، شاعرانه است و کاشکی من از این نعمت شاعرانه سخن گفتن، بهره داشتیم. یک کلمه دیگر بگویم و با درود و سلام به روان بوعلی سخن را پایان دهم.

بنا بر اعلام روابط عمومی فرهنگستان علوم، وی در پایان خاطرنشان کرد: می دانیم که فلسفه حب دانایی است. این حب اگر نباشد دانایی نیست. ابن سینا در طی پنجاه و شش سال زندگی و در عمر کوتاه و ناآرام خود صدها کتاب نوشت. این نوشته ها چه بود و همتی که فیلسوف را به نوشتن واداشت از کجا آمد. بوعلی همه عمر کوتاه خود را یکسره وقف دانایی کرد. این علاقه ریشه در روان شناسی شخصی ندارد و تا کششی از سوی دیگر نباشد جنبش و جوششی این چنین پیدا نمی شود.

به می پرستی از آن نقش خود زدم بر آب/ که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن

به رحمت سر زلف تو واثقم ورنه/ کشش چو نبود از آن سو چه سود کوشیدن

جسارت فیلسوف و عزم او در پیمودن راه پرخطر تفکر درسی بزرگ است. خدا را شکر که ایرانیان هزار سال از آثار علم و تفکر و تعلیمات ابن سینا بهره داشته اند. کاش بتوانیم از زندگی این آموزگار بزرگ و از آنچه در لابلای سطورش پنهان مانده است بیشتر بیاموزیم.